

بختِ فارسی



## سهم کشمیر در ترویج و پیشرفت زبان و ادبیات فارسی

بعد از انقراض حکومت شهپیری غازی شاه چک در سال ۹۲۲ هجری  
امارت کشمیر یافت. او بنیانگذار سلسله پادشاهان چک می باشد. حکومت چکان به  
مدت بسیار کوتاه معنی از سال ۹۲۲ تا ۹۹۴ تقریباً ۳۲ سال طول کشید. حکومت چکان به قول حافظ  
شیرازی: خوش درخشید ولی دولت مستعجل بود.

دوره چکان را باید از نظر پیشرفت زبان فارسی دوره ترقی شمرد چنان که ایشان نیز  
ادب و فرهنگ فارسی را شمار دربارتوار دادند پادشاهان این سلسله ندهب تشیع داشتند و  
در سپردی از پادشاهان صفوی به جای لقب سلطان برای خود لقب شاه و پادشاه اختیار  
نمودند. روابط فرهنگی میان پادشاهان صفوی و شاهان کشمیر بیش از پیش رونق گرفت  
و تقویت شد. روابط آنها آن چنان استوار بود که تحایف و پادشاهان از یکدیگر رد و بدل می شد.  
دربار چکان مثل خانواده پیشین همدسرایت گان و نویسندگان فارسی زبان قرار گرفت.  
کسانی بودند در این دوره از متصوفه، فهنا و مشایخ که موجب سر بلندی و شهرت این پادشاهان  
بودند مانند بابا داود خاکی، شیخ حمزه مخدوم، محمد امین مستغنی، بابا طالب اصفهانی، ملانامی

پر دینیه محمد سیدتی نیازمند

ملا میر علی و غیر آن .

بابا داد خاکی شاعر و فقیه و متصوف که صاحب تصنیفات منظوم و منثور است در شعر فارسی تصنیفات مانند ورد المریدین رساله غسلیه رساله ضروریه رشیدی نامه رساله جلالیه و مجموعه القوائد از خود یا قتی گذاشت . خاکی ورد المریدین را خود به نثر فارسی شرح نوشته است به نام دستور السالکین . با این که کتاب مزبور ضعیف است اما در کشیم شهرت پیدا کرده و چندین بار چاپ هم خورده است . علاوه بر آن دستور السالکین به زبان اردو نیز برگردانده شده است . قلمرو زبان فارسی در کشیم به علت خداتی که خاکی به این زبان انجام داده است گسترده تر و وسیع تر گردیده است . تصنیفات خاکی را باید سهم مهم در پیشرفت زبان و ادب فارسی در کشیم شمرد . اشعارش شیرین است . نمونه زیر از غزلیات او دلیل بر آن است :

که به سجد روم و گاه به بیخانه شوم  
من بیچاره تو را می طلبم هر کس  
نخواهم که شمارم کرم و نعمت تو  
گر زبانم شود اندر تن من هر کس  
خاکبیا! پیر شدی از طلب یار هنوز  
از گلستان وصالش نه شیدهستی بو<sup>۴۸</sup>

از میان سرانیدگانی که به دربار حسین شاه (۹۷۱-۹۷۹) پیوسته بوده اند یکی ملا میر علی بود . او علاوه بر شعر گوی در فن نستعلیق نویسی استاد بود . نمونه غزلیات او متدرج به ذیل است .<sup>۴۹</sup>

گل به دستم چه نهی در کف من خار خوش است  
این گل تازه بر آن گوشت دستار خوش است  
سبزه بوده و خم خم دل لوند مرا

قدح چه آب زند آتش بلند مرا  
ملانامی نیز از شاعران دربار حسین شاه بوده است. شعر زیر از اوست:

عروسی مست می شادی آیین او  
که نتوان روان داد کاس بین او  
به خاموش چهره زبانی دهد  
به فرقت زور جوانی دهد

نمونه‌ای از غزلیات او:

هرگز دلم به غیر تو مایل نمی شود  
وز دیده نقش روی تو زایل نمی شود  
از دور بیت چه پاک که از بعد ظاهری  
اصلاً میان ما و تو سگایل نمی شود

بابا طالب از اصفهان بود. قدر دانی و مهر ورزی که پادشاهان چک نسبت به او  
نشان داده اند او به درجه کمال رسید. او نیز به علت بخششها و صلواتی که چکان در حق شاعران صاحب  
استعداد رومی داشتند به دربار ایشان پیوست. جهانگیر پادشاه در تونزک جهانگیری خود رباعی  
زیر را از بابا طالب نقل می کند:

زهرم به فراق خود چشانی که چه شد  
خونریزی و آستین نشانی که چه شد  
ای غافل از آن که تیغ هجر تو چپ کرد  
خاکم بنفشار تا بدانی که چه شد

در حلقهٔ سازمزمهٔ سوز نباشد  
 ما غمزدگان را دل مسرور نباشد  
 بی روی تو بیرون کنم از دیده نظر را  
 گردوق تماشا می تو منظور نباشد  
 ویرانهٔ دل چون ستر تمیید ندارد  
 بگزار که این غم کده معمور نباشد

★

از سر کوی تو دل بادیده ترمی رود  
 شعله در دل ناله بر لب خاک بر می رود  
 حرف شرح و درد دل گر آشنای لب کنم  
 خون ز جیب دیده تا دامان محترمی رود

به ذیل است :

جهان ز گشته من اگر سیه خیر است  
 سر و دلی که بگیریم از او سراغ کجاست  
 سیاهی شب ما را ببرد پرتو مهر  
 رخی که در ره ما می نهد چراغ کجاست

بعضی از شاهان خانوادهٔ چاک شعر دوست بودند و عده ای از ایشان به شعر و سخن فارسی  
 میل و رغبت به تخریح می دادند. برای گشایش زبان فارسی پادشاهان مزبور خوان کرم در دربارهای  
 خود برای مهمانان ایرانی پهن گسترند و خود نیز گاه گاهی با ایشان دمساز و هماهنگ می شدند.

از میان آنها یکی حسین شاه چک بود که در تشکیل محافل علمی و مجالس ادبی گوی سبقت از پیشینیان  
 ر بود. او به شعر و سخن نیز علاقه داشت. شعر زیر از اوست.<sup>۵</sup>

صایل کرده تیغ و بسته نخجری باری آید  
 دلا بر خیز و کاری کن که جان در کار می آید  
 آن ترک آل پویش سوار سمنند شد  
 یاران حذر کنید که آتش بلند شد

یوسف شاه چک (۹۸۸ - ۹۹۳) برادر زاده حسین شاه چک که نسبت شاعری هم به  
 او داده اند در گسترش ادب و فرهنگ فارسی بسیار کوشید. او نیز سخن سنج و سخن پرور و سخن شناس بود.  
 به زبان کشمیری، فارسی و هندی شعر می گفت. به موسیقی نیز آشنایی داشت. مورخان درباره  
 او نویسنده که یوسف در دربار خود مجالس شعر و سرود می آراست و اکثر اوقات خود را با شاعران می  
 گذراند و با ایشان دساز و هم آواز می شد. اشعار زیر زاده طبع و قار اوست:

بیلی جمازه را بر مجنون به خود نراند  
 زور کند جذبه معجز نمای اوست  
 دل پر در من جانان به سان غنچه در خون است  
 چه بیرحمی نپرسیدی که احوال دلت چون است



حکومت شاهان مغول در هند در عهد جلال الدین محمد اکبر شاه (۹۶۳ - ۱۰۱۴)  
 به صورت یک امپراطوری متحد به وجود آمد. بنا بر فتوحات پی در پی در ایالات مختلف  
 هند اکبر شاه چشم آزر کشمیر دوخته بود. لذا او چندان بار سپاهیان خود را به سرگردگی بعضی از  
 فرماندهان نامی برای تسخیر کشمیر فرستاد. پادشاهان چک در مقابل حملات اکبر شاه نیروی

روز افزون او نمی توانستند از وطن خود دفاع کنند. چنان که روشن است در نتیجه حملات اکبر، سلطنت پادشاهان محلی کشمیر در سال ۹۹۴ هجری در هم پاشیده شد. باشکست آخرین تاجدار چک کشمیر استقلال خود را از دست داد و به عنوان یک صوبه (ایالت) یا استان و به قول ابوالفضل به نام «سرکار کشمیر» شامل امپراطوری اکبر شاه گردید.

تا زمان اکبر شاه گورکانی سخنوران و گویندگان کشمیر از مکتهای فکری ایران مستقیماً مایمی گرفتند ولی بعد از تسخیر کشمیر به دست سپاهیان اکبر در دوازدهم ماهی کشمیر برای شاعران و نویسندگان هندی نژاد مانند فیضی، ابوالفضل، ملاعب و افقادر بدایونی هند و شافریخته ملا احمد تنوی و غیر آنها باز گردید. به طور طبیعی سبک نویسندگی فارسی در کشمیر نیز با مسدود شدن تحت تاثیر سبکهای متداول در هند قرار گرفت. چنان که می بینیم که در دهه اول شاعران فارسی گوی کشمیر مکتب و قوع را تقلید کردند و بعداً پیروی از سبک هندی نمودند. شایان تذکر است که شاعرانی مانند شیخ یعقوب صرفی کشمیری، ملا حبیب الله حبیبی نوشهری، میرم برار، ملاذهبی کشمیری و غیر آنها که در اوستای دوره مغول در کشمیر بودند همان سبک پیشین متقدمان یعنی سبک خراسانی و سبک عراقی را در آثار خود پیروی می نمودند. بعضی از شاعران و نویسندگان مزبور برای ادامه تحصیلات خود به مناطق مختلف ایران مانند مراکز علمی خراسان، ماوراءالنهر، بلخ، بخارا، سمرقند و... رفتند. چونکه این مناطق به کشمیر نزدیکتر بودند تا حوزه های علمی هند. همه اینها در کالونهای فرهنگی ایران تربیت یافته بودند. بنابراین ایشان در آثار خود شاعران و نویسندگان ایرانی را دنبال کردند.

سبک نویسندگی فارسی سرایان کشمیر را می توان در دوره مغولان گورکانی به سه دسته تقسیم نمود: شاعران دسته اول عبارتند از شیخ یعقوب صرفی کشمیری، خواجہ حبیب الله حبیبی کشمیری، بابا علی رسته، نجفی کشمیری، بابا حبیب درتیله مولی، بابا داد مشکوئی، ملاذهبی کشمیری

میرم بزاز و غیر آنها. این شاعران و نویسندگان چنان که اشاره شد در آثار خود سبک خراسانی و سبک عراقی را پیروی کرده اند و از نظر انگیزه فکری آثار ایشان جنبه مذهبی و صوفیانه و اخلاقی دارد. شاعران دسته دوم کسانی هستند که مکتب وقوع را پیروی نموده اند. شاعرانی که به تقلید این سبک پرداخته اند در کانونهای تمدن فارسی ایران و هند تربیت یافتند. مظهری کشمیری، اظہری کشمیری، شاعران و نویسندگان دسته سوم در شعر و نشر فارسی خود پیروی از سبک ہندی نمودند: ملا طاهر غنی کشمیری، ملا محسن قانی کشمیری، گویا کشمیری جو یا، ملا ساطع و مانند اینها که سبک ہندی را در کشمیر به اوج خود رسانیده اند.

در آغاز دوره مقولان در کشمیر شیخ یعقوب صرنی کشمیری شاعر به نام بوده است. او برای دانش افزایی و تکمیل تحصیلات به مراکز مختلف ایران رفت و در آن جا علوم فقه و شرح و تفسیر قرآن و ادبیات فرا گرفت. علاوه بر این که صرنی عالم دین بود در شعر و سخن گوی سبقت از استادان خود رلوده بود. حضرت مجدد الف ثانی شیخ احمد سرہندی یکی از شاگردان صرنی بوده است. صرنی نخستین شاعر کشمیر است که در مقابل خمسہ نظامی گنجوی پنج مثنوی (پنج گنج) نوشت. مثنویات خمسہ او عبارتند از: مسک الاخیار (سال تصنیف ۹۹۳) و امت و عدرا (سال تصنیف ۱۰۰۰). در مقابل لوایح حکامی صرنی در سال ۹۷۶ کتاب روایح را به نشر فارسی نوشت. از کتابهای دیگر او کنز الجواهر دیوان صرنی رباعیات صرنی تعداد رباعیات ۱۱۰ (سال تصنیف ۹۶۲) - ذکر بیہ تناسک حج مطالب الطالبین (تفسیر فارسی قرآن مجید) حاشیہ توضیح و تلویح، شرح صحیح بخاری می باشند.

اکثر تصنیفات صرنی به شکل نسخہ های خطی در کتابخانہ های مختلف جہاں محفوظ است.



اشعار حسرتی رنگ عارفانه و عاشقانه دارد. او درباره اوضاع سیاسی و مذهبی ایران اطلاعاتی بسیار جالب فراهم می‌سازد. او در قزوین به توسط یکی از مقامات دولتی با پادشاه ایران شاه طهماسب صفوی نیز ملاقات نموده است. درباره او می‌گوید:

به قزوین مرا مه‌کربانی نمود  
 شریف شریفی که ادب در بود  
 به طهماسب آن شاه کشورگشا  
 مراسم آن نامور آشنا  
 به عالم بسی مدهفت بود شاه  
 من از صحبتش جسته با حق پناه<sup>۵</sup>

درباره حرم امام رضا در مشهد نیز چیزی شنیدنی دارد. می‌گوید:

به مشهد شدم متفیض از امام  
 علی بن موسی سلیمان اسکلام  
 امام رضا شاه عالم ملا  
 غلامش چو معروف چندین هزار  
 رفیقم در آن سیر بوده زفت  
 زنی، زنی که خوشش مردمانگنی  
 لقب آفتی و به طبع لطیف  
 شده آفت هر وضع و شریف  
 ولی بوده انمی و عیب عمی  
 نبودیش مانع ز فیض خدا

بسی بود خوشگویی و در شاعری  
 نمودی در این فن، فن کساحری  
 من و او در آن گنبد پر صفا  
 که آن جاست قبر امام هدی  
 شبی بگذر اندیم با هم تمام  
 که خواهیم فیضی ربود از اسام  
 ولی او به ناگاه سر در سجود  
 نهاده در آن سجده خوابش ربود  
 مؤذن زمانی که در یامداد  
 ندان چون خروس سحرگاه داد  
 از آن خواب برخاست بنیاشه  
 به نور چشم او او شده  
 دو چشم از غبار غمی صاف پاک  
 به کحل الهی عجب سرمه ناک  
 چو بینا شده آن چنان دیدش  
 ز احوال آن خواب پرسیدش  
 بگفت که من خود بدیدم امام  
 که بود او پس پرده سرخ قام  
 من این چشم بر پرده مالیدی  
 ز زنجوری خویش تالییدی

خطاب از ادب گردمی با امام  
 همی گفتمی دم به دم یا امام  
 شدم باز بیدار بیتاد و چشم  
 به عین بصکارت شده وارد چشم<sup>۵۷</sup>

نمونه غزلیات صدرنی:

گیتی ناست آینه صاف جام ما  
 دور جم است و عهد کند ره کام ما  
 آینه خدای ترا حکام باده است  
 ای قافل از خدا چه کنی عیب جام ما



ما را چه عیب می کنی ای شیخ صبح خیز  
 روستتر آمده ست ز صبح تو شام ما  
 ناساخته ام دانه و آب از سرشت خویش  
 شد مرغ آشیانه لاهوت رام ما



باده داشتک من و خون جگر هر سه یکی است  
 کهر باو رخ زود من و زر هر سه یکی است  
 تابه کام و گران است لب شیرینیت  
 زهر در کام من و شهید و شکر هر سه یکی است



نیست در صورت بتان جز دوست  
 همه را عاشقیم چون همه دوست  
 گر چه جایی هیچ سوسن نیست  
 همه جا جلوه بایش از همه دوست  
 نیست بیرون ز طایبان مطلوب  
 پس چرا بهر وصلش این تنگ پوست  
 نیست خالی ز رنگ ادردی  
 گاه گل روی و گاه گل خود دوست  
 که طیب است و گاه بمبار است  
 گاه افسونگر است و گاه جادوست  
 گل ز رنگ رخس بود رنگین  
 سنبلیله از یوی زلف او خوشبو است  
 به غم دوست مبتلا صرتی  
 نه اسیرستان نیکو دوست



شاه خوبان جهان آمده سلطان مقصود  
 به جهان دوست مرا از همه خوبان مقصود  
 گر چه در باغ جهان است سهی قدیر  
 مانداریم جز آن سرد خرامان مقصود<sup>۵۹</sup>



عشق بازی راستد عم را بد  
 ده که با این عم رکوته عاشقتم<sup>۴۰</sup>

★

ای مرا هر دم ز عشقت عالمی در عالمی  
 شور و غوغای دگر هر لحظه در هر عالمی  
 غم ندارم مگر چراغی نیست در کلبه ام  
 گردد از یک شعله آهم منور عالمی<sup>۴۱</sup>

★

عیسی و خضر اگر هم نفس من گردند  
 درد من دیده به جان طالب مردن گردند<sup>۴۲</sup>

★

گر هوای حال داری ترک قبیل قال کن  
 همتی در یوزه از زندان صاحب حال کن<sup>۴۳</sup>

★

حبیب الله نوشهری متخلص به حبیبی نیز از شاعران برجسته این دوره بوده است .  
 اشارش متصوفانه و عارفانه است . او خرقه ارشاد از صوفی دریافت نموده بود . مانند استاد خود حبیبی  
 قصیده سرایی و چکامه نویسی را برای خود ننگ تصور می کرد . تصنیفات او در شعر فارسی عبارتند  
 از : تنبیه القلوب ، راحت القلوب ، مرآة الغیوب ، رسالت الانصاف ، مقامات حضرت ایشان (مرقی)  
 و دیوان اشار شامل غزلیات ، قصائد ، مقطعات و رباعیات . در نشر فارسی رساله ای  
 از ادباتی مانده است . تمام تصنیفات حبیبی در سرپیناگر به چاپ رسیده است . نمونه ای از غزلیات حبیبی:

ساقی بیار کاسه گلگون شراب را  
 پسند آب چشمه کونتر شراب را  
 مطرب بساز نغمه شترین جان نواز  
 با مطرب بهشت بدان این ربای را<sup>۶۴</sup>



ای که بهشت برین بی تو عذابم عذاب  
 آتش دوزخ همه با تو گلابم گلاب  
 گرمی شوقم چه کرد ترمی ذوقم چه کرد  
 دیده پر آیم پر آب سینه کبابم کباب  
 هر دو جهان را سفر کرده ام از دل به سر  
 آمده اندر نظر جمله سرایم سراب  
 ای شته خوبان من وی مه تابان من  
 بی تونه شاه و گدا بی تونه شیخ است شباب  
 بی تونه کوه است و کاه بی تونه روی است و راه  
 بی تو کدام است ماه بی تو کدام آفتاب  
 جمی بیچاره بین اشک نشان بر زبین  
 کرده زراعت چین ز دست طعام و شراب



آن شوخ ترکمان و غزلخوان من کجاست  
 تاراج خان و مان و دل و جان من کجاست



ملانه مشکل تو شود حلت از کتاب  
و جلانی است و حل شود از نغمه رباب<sup>۶۵</sup>

★

دلا بگو که چه این اختلاف ادیان است  
یکی چه کافر و دیگر چه مسلمان است

★

دل من مست شده در ازل از جام الست  
رفته از هوش و خرد تا به ابد آمده مست  
واعظا! ترک می از بنده مسکین مطلب  
عهد کردم ز ازل تا که شوم باده پرست  
دست ساقی چو مرا از می وحدت پر کرد  
شده ام جام صفت آمده ام دست پرست  
بر خمیز تا ز هر موی سری سر سازم  
از دیده دل همیت منظر سازم  
باشد که کند جلوه گری دلبر ما  
هر لحظه سری فدای دلبر سازم

از میان شاعران دوره مغول که با جذب و حال تیز سرشار بوده است  
یکی میرم بنار می باشد. اد صاحب حال بود و در عرفان از حضرت شیخ حمزه مخدوم بزرگترین  
عارف زمان خود کسب فیض کرد و معرفت حق یافت. در باره احوال و اذکار استاد معنوی و پیران  
طریقت خود کتابی به نشر فارسی از او یادگار مانده است به نام تذکره المرشدین (سال تصنیف ۹۹۷).

غزلیات میرم عاشقانه است پراز جذبه و شوق گویا زخمه ای بردل می زنند. غزلیاتش رنگ  
غنائی دارند. در شعر از او تنها "سی غزلی" باقی مانده است. نمونه غزلیات او:

یارب آن بسیرجم با ما یار بودی کاشکی  
دوست یا ما دشمن اغیار بودی کاشکی  
یار بر عشاق خود ای کاش بودی مهربان  
بارقیبان بر سر آزار بودی کاشکی  
یک شب از بخت بدم آن مگر گذر بر من نکرد  
بخت خواب اود ما بیدار بودی کاشکی<sup>۴۱</sup>



جان بهیار مرا هست لب یار علاج  
نیست جز نوش بدین خسته بیمار علاج  
جانب خسته دلان گر گذری از ره لطف  
خستگان را شود از شربت دیدار علاج<sup>۴۲</sup>



منظری کسبیری نماینده مکتب وقوع می باشد. او نیز مانند معاصران خود برای  
تکمیل تحصیلات به ایران مسافرت کرد و با شاعرانی مانند میرزا قلی بیلی، ولی دشت بیاضی و میرک  
صالحی ملاقات و معاشرت داشت. او در غزلیات خود طرز وقوع را به خوبی پیروی نموده است.  
دانش مند و مشرق معروف پروفیسور ای. جی براون، منظری را در میان شاعران دربار  
شاه عباس کبیر ذکر نموده است.<sup>۴۳</sup> از دیوان اشعار منظری فعلاً چند تا تصادف دارای ۱۱۷۴  
بیت به دست آمده و در کتابخانه ایشیا تیک سوسائیتی آف بنگال (ملکته هند) به شماره ۱۱۹



ملاعب الرشید مینو نیز از شاعران متصوفه این دوره است. اشعار او عاشقانه است:

جمال یار را دیدم در این گلزار می رقصم  
 چه باشد گل که از مستی بر هر خار می رقصم  
 خریدار غم عشقم سب سودای او دارم  
 گرفته نقد بر کف بر سر بازار می رقصم  
 سماع غیر رقصاند مرا ای مینوا هر دم  
 نه از چنگ و نه از بربطاز موسیقاری قسم<sup>۷۱</sup>

تعداد قاری سرایان و سخنوران این دوره بسیار است و اگر تک تک به ذکر آنها بپردازیم سخن به دراز می کشد. بنابراین به ذکر اسامی بعضی از مشاهیر شعرابنده می کنیم: ملا عثمان ذهنی کشمیری، ملا ادجی کشمیری، طلوعی کشمیری، نجفی کشمیری، فطرتی کشمیری، لذتی کشمیری، بزرگی بیگم، اظہری کشمیری، فصیحی کشمیری، ملا صالح کشمیری، محمد طاهر غنی کشمیری<sup>۷۲</sup>، تافع کشمیری (برادر غنی)، آخوند طیب کشمیری<sup>۷۳</sup>، مشتاق کشمیری<sup>۷۴</sup>، ملا محمد اسلم سالم کشمیری<sup>۷۵</sup>، میرزا عبد الغنی بیگ قبول عبد الرسول استغنا کشمیری<sup>۷۸</sup>، گرامی کشمیری<sup>۷۹</sup> و ملا ندیم و.....

ملا غنی کشمیری نماینده شاعران طرز هندی یا سبک هندی در کشمیر است - او یکی از بزرگ ترین شاعران زمان خود بود. با آن همه که کلیه اشعار او در دست نیست. اما دیوان اشعارش بالغ بر سه هزار بیت دارد. دیوان ادسه بار چاپ خورده است. نمونه غزلیات او:

جنونی کو که از قید خرد بیرون کشتم پارا  
 کنم زنجیر پای خویشتن دامان صحرا را

به بزم می پرستان محبت خوش عزتی دارد  
 که چون آید به مجلس شیشه خالی می کند جبارا  
 غنی روز سیاه پیر کنگان را تماشا کن  
 که روشن کرد نور دیده اش چشم زلیخارا<sup>۸۱</sup>  
 از شرم توبه در عرقم کوشش را بتاب  
 باید مستاع تر شده را داد آفتاب  
 هر کس که داد تن به بلا ایمن از بلاست  
 ویران کجاز موج شود خانه حباب  
 تا بر نیامده ست ز کامم زبان غنی  
 چرخ سیاه کاسه چو کلکم نداد آب<sup>۸۲</sup>



به راه شوق تو ای آفتاب عالمگیر  
 چو اشک شمع مرا عمر رفت در شیبگیر  
 کجاز دست خدنگ تو جان بردن بخیر  
 پرنده ای ز کمانت بخت غیر از تیر  
 به خالقه مبر اسباب می کشی ساقی  
 که هست کشتی می را خطر ز موج حقیر<sup>۸۳</sup>



بیاساقی شبستان مرا اشب منور کن  
 ز روزن تاد آید آفتابم می به ساغر کن

عنی فصل بهار آمد گل عیشی توان چیدن  
 برون آور چو نرگس زر خاک صرف ساغر کن<sup>۸۴</sup>

★

ادیبان و نویسندگان کشمیر علاوه بر شعر توجه ویژه ای به نثر فارسی معطوف داشته اند و بسیاری از آثار مهم و پراوج فارسی به جا گذاشته اند. از آثار باقی مانده دانشندان دوره مغولان گورکانی هند برمی آید که نثر فارسی در این عصر به اوج کمال رسیده بود. دانشندان این دوره تالیفات بسیار در رشته های مختلف از علم و ادب به وجود آورده اند. تالیفات منشور این دوره متعلق است به رشته های تاریخ، تذکره تصوف و عرفان، اخلاق، طب، لغت، فقه و مذاهب گوناگون مانند شیعه سنی و.....

فن تاریخ نویسی در این دوره رو به ترقی نهاد و بعضی از تواریخ مهم و سودمند به زبان فارسی تالیف شد. از آن جمله می توان تالیفات زیر را نام برد:

تاریخ کشمیر تالیف سید علی (تالیف دوره اکبر شاه گورکانی) منتخب التواریخ از حسن بیگ خاکی (سال تصنیف دوره اکبر شاه) بهارستان شاهی از مصنف ناشناخته (سال تصنیف ۱۰۲۳) تاریخ کشمیر تصنیف حیدر ملک چادوره (سال تصنیف ۱۰۲۹) واقعات کشمیر اثر خواجہ محمد اعظم دیدہ مری گوهر عالم از محمد اسلم منعمی نوادر الاخبار از رفیع الدین غافل (در عهد اورنگ زیب) در همین دوره تالیف شده است. نسخه های خطی تاریخ نادری و شجاع حبیب درمی در کتابخانه آصفیہ سرکار عالی استان آندرا پردیش محفوظ می باشند.

تاریخ های مزبور به ترتیب آثار متقدمین ایران تخریر شده است. فرہنگ نویسی نیز در سرزمین هند به اوج رسید و مهمترین لغات فارسی مانند فرہنگ جہانگیری برہان قاطع فرہنگ آندراج و..... در همان سرزمین تالیف شد.

دانش مندان کشمیری در زمینه لغت نویسی فارسی از فرہنگ نویسان ہند عقب  
نہاوندند. شایان تذکر است کہ دانش مندان کشمیر علاوہ بر این کہ بعضی کتب مہم فارسی را حاشیہ  
نوشته اند، کتب لغت نیز تالیف نموده اند. جمال الدین اینجو بہ دستور جہانگیر بن اکبر پادشاہ  
فرہنگ جہانگیری را در سال ۱۰۳۲ ہجری در محیط آرام و کیف اور کشمیر بہ فراغت بہ اتمام رسانید.  
ملا ساطع کشمیری شاعر دورہ مغول نیز فرہنگ فارسی بہ نام حجت ساطع تالیف نمود. متأسفانہ  
از این فرہنگ نسخہ ای در دست نیست -

در حقیقت مہتممین آثار مشہور ادبی فارسی در کشمیر بہ تصوف و عرفان تعلق  
دارد، زیرا مبلغان ایرانی کہ مہاجریت بہ خط کشمیری نمودند، خودشان از تصوف و  
عرفان بہرہ بردہ بودند و در جریان تبلیغات، مردم کشمیر را از تصوف و عرفان نیز تعلیم دادند.  
بدین سبب است کہ تصوف در روح ادبیات فارسی در کشمیر سرایت کردہ است. صوفیان کشمیر  
برای تشریح و ترمیم احساسات عارفانہ خود از صوفیان برجستہ ایران بہرہ گرفتہ اند و آثار  
عارفانہ ابو سعید ابی الخیر، ہجویری، سنائی، غزالی، عطار، مولوی، سعدی، حافظ، جامی و.....  
سر مشق و مورد تقلید آنہا شدہ اند. اگر گرفتہ است، این صوفیان بہ سلسلہ ہامی مختلف مانند  
سلسلہ کبر و بیہ سلسلہ سہروردیہ، سلسلہ چشتیہ، سلسلہ قادریہ، سلسلہ نقشبندیہ و.....  
بستگی داشته اند و تالیفات و تصنیفات کثیر در ترویج و تہذیب سلسلہ ہامی مزبور بہ وجود  
آورده اند. تصنیفات فارسی مانند ہدایت المخلصین تالیف بابا حیدر تیلہ مولی (سال  
تصنیف ۹۹۳) رسالہ سلطانی از مولوی شیخ احمد چاگلی (سال تصنیف ۹۸۰) راحت الطالبین  
از خواجہ حسن قاری (سال تصنیف ۹۸۲) چلمپلہ العارفین (یعنی چہل چلہ عارفین)  
اثر خواجہ اسحق قاری حلیم (سال تصنیف ۹۸۲)، تذکرۃ العارفین تصنیف بابا محمد علی  
ریتہ (تصنیف در میان سالہای ۹۹۲ و ۹۹۷) در بارہ عقاید حضرت شیخ مخدوم و

پیران طرفیت و سلسله سهروردیه و اذکار و اذکار ایشان منگاشته شده است. آثار فارسی مانند فتوحات الجرویه از عبد الوهاب لوری (سنه تصنیف ۱۱۶۲) رساله در تصوف اثر حبیبی نوشهری مسلک الاخیار از صوتی که به عقاید اذکار سلسله کبرویه در آن مورد بحث قرار گرفته است سهم بزرگی در تزویر کج زبان فارسی دارند. بعضی از تصنیفات این دوره مربوط است به احوال و آثار بزرگان و صوفیان وابسته به سلسله قادریه. معروفترین آنها فتوحات قادریه از محمد حسین قادری منطقی (سال تصنیف ۱۲۸۲)، مثنوی قادریه از بهاء الدین منومی باشد. این ملا متو در باره سلسله چشتیه نیز اثری به جا گذاشته است به نام چشتیه. محتویات این مثنوی همانا ذکر جمیل اولیا و بزرگان چشت می باشد. مرآه تطیب و فتاوی نقشبندی دو تصنیف دیگر از خواجہ معین الدین نقشبندی است که ارزش و اهمیت فراوان دادند.

در زمینه تصوف و عرفان تصنیفاتی که مربوط به مسلک ریشی و عقاید ریشیان در کشمیر به رشته تحریر درآمده از جمله ابتکارات دانش متدان و نویسندگان کشمیری باشد زیرا هیچ کتابی راجع به این مسلک در خارج از مرزهای کشمیر مرقوم نشده است. «ریشی» از واژه سانسکریت ریکی (RIKHI) مشتق است و ریشی کسی را می گویند که همه وقت در معرفت حق تعالی مشغول باشد و رویه بیابانها و جنگلها و دشت های آرد. به خوردن رستنیهای خود رو که در صحرا یا دشتهای ریشی می کند زندگی خود را بر آن کفاف می کند. ریشیان شب و روز مشغول به عبادت می باشند. مجرد زندگی می کنند زن نمی گیرند گوشت نمی خورند، هیچ کس را نمی آزارند و شغل آنها صرفاً عبادت حق تعالی و کشتن درختهای میوه دار است برای نسلهای آینده (FUTURE GENERATION)

و خود از آن تمتع نمی گیرند.

تعداد کتابهای فارسی که درباره مسک ریشان و عقائد و آثار ایشان به نگارش رسیده بسیار است و اما از نظر محتویات و مطالب کتابهای زیر بسیار سودمند هستند و اعتبار دارند: ریشی نامه (سال تصنیف ۹۸۸) از بابا داود خاکی نورنامه از بابا نصیب الدین غازی (تصنیف در عهد جهانگیری) منهاج الریشیه تصنیف بابا داود مشکوتی، ریشی نامه (منظوم به سال ۱۲۲۳) اثر ملا بهاء الدین متو، ریشی نامه تصنیف بابا کمال (سال تصنیف ۱۲۵۱) روضه الرياض تصنیف بابا خلیل و غیر آنها. بدون تردید این آثار گرانبهای فارسی اختصاص به سرزمین کشمیر دارد.

آثار فارسی در مورد سیر صوفیان اولیا و شعرا نیز از اهمیت خاص برخوردار است. دانش مندان و نویسندگان کشمیر در دوره مغولان گور کافی هند به نوشتن تذکره احوال و سیر اولیا و شعرا نیز پرداخته اند. تذکره های جالب به رشته تحریر در آورده اند مانند تذکره شعرا کشمیر از اسلم میرزا، تذکره سرخوش کشمیری، نظم بدیع از محمد امین کافی (تصنیف ۱۰۷۶). واقعات کشمیر از محمد اعظم دیده مری، تذکره اولیا و مشایخ و صوفیان کشمیر مانند خوارق السالکین یا تاریخ مادی تصنیف احمد بن الصبور کشمیری (سال تصنیف ۱۱۰۹) - اسرار الایرا تصنیف بابا داود مشکوتی (سال تصنیف ۱۰۶۵)، طبقات شاه جهانی از محمد صادق کشمیری (سال تصنیف ۱۰۶۴) که مشتمل برده طایفه درباره مشایخ علمای و فضلا، اطباء، شعرا و غیر آنها می باشد، تحفته الفقرا از محمد مراد تینگ.

در زمان مغولان نه تنها مسلمانان به کسب زبان و ادب فارسی پرداختند بلکه هندو و برهمنان نیز برای فرا گرفتن این زبان شیرین میل و رغبت نشان داده اند و آثار بسیار پرارج فارسی از خود به جا گذاشته اند. در میان شاعران نامی

اهل هندو که سهم بزرگی در ترویج زبان فارسی داشته اند چپ در بهان برهمن (نژاد کشمیری) رئیس دارالانشاء و قایم نویس دربار شاه جهان پادشاه معروف است. او آثار مهم فارسی از خود باقی گذاشته است، از آثار او دیوان اشعار فارسی چهار چمن، گلستانه تحفته الانوار، کارنامه یا مکارنامه، تحفته الفصحا، مجمع فقرات برهمن، انشای هفت گلشن و..... عالم نامدار دیگر از اهل هندو کشمیرند درام پرمانند متخلص به غریب به دستور شاهزاده داراستکوه پسر شاه جهان کتاب سالنکریت «اپنشد» را به فارسی برگردانیده است.



## پانویسها

- ۴۸- تذکره شعرای کشمیر از حسام الدین راشدی، جلد ۱، ص ۲۲۵
- ۴۹- داققات کشمیر، ص ۱۱۵- تاریخ حسن، ج ۴- ص ۳
- ۵۰- ایضاً
- ۵۱- توزک جهانگیری، ص ۲۸۹- چاپ لوکنتور- آئین اکبری، جلد ۱- ص ۲۴۰
- مآثر جهانگیری، ص ۲۸۳- ۲۸۴- منتخب التواریخ، از عبدالقادر بدایونی، ج ۳، ص ۲۴۵
- انتشارات ایشیا تک سوسائیتی آف بنگال-
- ۵۲- داققات کشمیر، ص ۱۱۵- تاریخ حسن، ج ۴، ص ۴-
- ۵۳- ایضاً
- ۵۴- در کتابخانه تحقیق و اشاعت سریناگر نسخه های خطی زیر از آثار صرّنی نگهداری می شود: <sup>۶</sup>نمسه صرّنی (پنج گنج صرّنی) شماره ۱۳، دیوان صرّنی، شماره ۲۳۰، ۴- روایح صرّنی، شماره ۴۰- شماره ۱۹، رباعیات صرّنی، شماره ۳۱۰، ذکریه، شماره ۳۷، توضیح تلویح، شماره ۳۲۰، دیوان صرّنی

- بامقدمه میرحبیب الله کاملی در سال ۱۳۴۶. در سریناگر منتشر گردید. رشحات کلام صرّی  
بامقدمه مفصل از محمدطیب صدیقی در سریناگر به چاپ رسید. معازالنبی در سال  
۱۸۷۹/۱۲۹۴. در لاهور چاپ شده است.
۵۶. معازالنبی - ص ۱۴. چاپ لاهور ۱۲۹۴.
۵۷. همان - ص ۱۳.
۵۸. تمام غزلیات از کتاب فارسی سرایان کشتیبه تالیف دکتر گ. ل. تبیکو. انتشارات انجمن  
ایران و هند چاپ ۱۳۳۲. تهران. از ص ۲۰. به بعد نقل شده است.
۵۹. دیوان صرّی - چاپی، ص ۱۵۳.
۶۰. همان، ص ۲۶۸.
۶۱. همان، ص ۲۲۳.
۶۲. همان، ص ۱۱۷.
۶۳. همان، ص ۳۳۸.
۶۴. دیوان حبیبی، برگ ۴. الف، نسخه خطی مملوکه شاه دروان دکتر سید محمد امین قادری.  
دانشیار اسبق گروه فارسی دانش گاه کشمیر
۶۵. همان، برگ ۴. الف و ب.
۶۶. سی غزلی، میرم یزاز ص ۱۴. نسخه خطی کتابخانه تحقیق و اشاعت سریناگر، شماره ۵۲۹.
۶۷. همان، ص ۴.
۶۸. مکتب و تنوع در شعر فارسی. گلچین معانی، ص ۴۳۹، به حواله خلاصه الاشعار
۶۹. *Literary History of Persia*, E. G. BROW Vol. II page 173.
۷۰. فهرست نسخه های خطی فارسی از منزهی، ج ۳. ص ۲۵۳۵. تهران - ۱۳۵۰. ش.



۷۱. کشمیر میں فارسی ادب کی تاریخ پر وفور عرب و افتاد سروری ص ۱۰۰۔
۷۲. نسخہ ہامی خطی دلیوان غنی در کتاب خانہ ہامی مختلف کشمیر محفوظ است۔ دلیوان غنی دو بار بہ توسط فرہنگستان جامو و کشمیر بہ طبع رسیدہ است۔ قبلاً این دلیوان با مقدمہ شاگرد اد محمد علی ماہر در سال ۱۹۳۱ میلادی در شہر لکھنؤ ہند بہ چاپ رسیدہ است۔
۷۳. یک نسخہ خطی دلیوان طیب محیط بر ۴۴۹ برگ در کتاب خانہ رضا رامپور موجود است۔
۷۴. دلیوان مشتاق کشمیری را آقامی دکتر شمس الدین احمد با مقدمہ مفصل ترتیب و تصحیح نمودہ و بہ عنوان پایان نامہ تحصیل برای اخذ درجہ دکتری بہ دانشگاه تہران تقدیم نمودہ است ہنوز این دلیوان چاپ نخوردہ است۔
۷۵. دلیوان محمد اسلم سالم کہ در سال ۱۱۳۲ استنساخ شدہ است و محیط بر ۲۶۳ برگ است در کتابخانہ رضا رامپور موجود است۔ نسخہ دیگر از دلیوان محمد اسلم در کتابخانہ خدابخش بانگی پور پتہ محفوظ است۔
۷۶. دلیوان مرزا داراب بیگ جو یا مشتعل بر ۴۵۹ برگ در کتابخانہ خدابخش بانگی پور پتہ موجود است۔
۷۷. دلیوان بنیش در کتابخانہ خدابخش نگہداری می شود و مثنویات بنیش در موزہ سالار جنگ حیدرآباد محفوظ است۔ مثنویات بنیش بدین قرار است۔ بنیش الابصار ۲۔ گلستہ ۳۔ گنج ردان ۴۔ شور خیال ۵۔ رشتہ گوہر
۷۸. دلیوان استغنی منونی ۱۰۸۲ در کتابخانہ مولانا دانشگاہ علیگدہ (یو۔ پی) موجود است۔
۷۹. دلیوان گرامی پسر عرب الغنی بیگ قبول در کتابخانہ ایشیا تک سوسائٹی آف بنگال بہ شمارہ ۲۸۶ محفوظ است۔
۸۰. دلیوان ندیم شامل ۲۵ برگ در کتابخانہ اندیا آفس (دلیوان ہند) بریتانیا موجود است۔

۸۱. فارسی سربایان کشتیرگان تیکو ص ۳۶
۸۲. همان - ص ۳۸.
۸۳. همان ' ص ۴۱
۸۴. همان ' ص ۴۲
۸۵. توزک جهانگیری ' ص ۳۰۴ چاپ نولکتور.
۸۶. بعضی از آثار دیگر محمد اعظم دیده مری که در کتابخانه های مختلف محفوظ است عبارتند از: توألم الشایخ (۱۱۳۱)؛ اشجار الخلد (۱۱۴۰)؛ ثمرات الاشجار (۱۱۴۰)؛ رساله فوائد الرضا، (۱۱۳۵)؛ وسیلة الوصول الی دیار رسول؛ تجرید الطالبین (۱۱۲۵) روضة الاخضر فی شرح کبریت احمی -

